

مامور ما در موصل

۱۳۳۷ ق/ ۱۹۱۹ م



با فروپاشی امپراتوری روسیه تزاری در پایان جنگ جهانی اول، استقلال و تمامیت ارضی ایران که با تعرض خانمان برانداز این قدرت توسعه طلب در معرض تهدید و تهاجم قرار گرفته بود برای مدتی از خطر رست. همزمان با این تحولات، دولت ایران که در این مقطع تحت سرپرستی وثوق-الدوله قرار داشت (۱۳۳۶ ق/ ۱۹۱۸ م) علیرغم لطمات اقتصادی و سیاسی‌ای که ایران در ادوار گذشته متحمل شده بود بر آن شد که از فرصت حاصل از فروپاشی روسیه استفاده کرده و مجموعه-ای از سیاست‌های داخلی و خارجی مختلف را برای پیشبرد منافع کشور در دستور کار خود قرار دهد.

در کنار پاره‌ای از تلاش‌ها برای بازگرداندن امنیت به کشور، اصلاح مالیه و تشکیل یک قشون متحدالشکل مجموعه پیشنهادها و خط‌مشی‌هایی نیز برای اعاده حاکمیت ایران بر حوزه‌هایی چون مناطق متزع شده از ایران در آسیای مرکزی، قفقاز (به ویژه نخجوان) کردستان عثمانی و عتبات عالیات ... مطرح شد.

به موازات اعزام هیاتی از ایران به کنفرانس صلح پاریس و تبلیغات گسترده مطبوعاتی و سیاسی برای جلب نظر مساعد متفقین نسبت به خواست‌های ارضی ایران، از نمایندگان سیاسی کشور در آمریکا و فرانسه نیز خواسته شد که در پشتیبانی از این خواسته‌ها اقداماتی را آغاز کنند. بررسی کم و کیف این اقدامات و ناکامی‌هایی حاصل از کارشکنی‌های دولت بریتانیا پاره‌ای از مقامات کشور را بر آن داشت که از طریق انعقاد قرارداد معروف ۱۹۱۹ در عین اصلاح مالیه و قشون، نظر مساعد آنها را نیز برای همراهی با آمال قلمرویی ایرانیان فراهم کنند. اگر چه این موضوع گسترده‌تر از آن است که بتوان در این مختصر بدان پرداخت ولی در این یادداشت فقط به یکی از نمونه‌های این تلاش اشاره می‌کنیم:

دولت و ثوق‌الدوله برای جلب ایرانی تباران برخی از مناطق همجوار به طور مخفیانه مامورین مجرب و آزموده را بدان نقاط روانه کرد تا از طریق دیدار و مذاکره با رهبران محلی نظر آنان برای الحاق مجدد به ایران جلب کنند. یکی از وظایف این مامورین آن بود که سران محلی فوق‌الذکر را متقاعد سازند که با ارسال تلگراف و نامه به کنفرانس صلح پاریس همچنین سران متفقین این تمایل خود را ابراز کنند. در این چارچوب فرستادگانی به باکو، نخجوان، وان و حکاری، بایزید و موصل ... اعزام شدند.^۱

بعد از ملاقات مشاور الممالک وزیر امور خارجه و رئیس هیات نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس در جمادی الاول ۱۳۳۷ ق با دو تن از سران کردستان عثمانی، شیخ عبدالقادر^۲ و شریف پاشا^۳ در اسلامبول و تشویق آنان به الحاق به ایران هیات دولت با نظر وزارت امور خارجه ماموری را با دستورالعملی سری به موصل اعزام تا وی با سران محلی ملاقات و آنان را برای الحاق به ایران تشویق نماید.^۴ یکی از این ماموران اسدالله خان مؤید حضور از مدیران با تجربه وزارت امور خارجه بود که مامور موصل گشت.^۵

از جمله نکاتی که در دستورالعمل وزارت امور خارجه به او ابلاغ شد آن بود که می‌بایست «... طوایف کرد را به منابع حقیقی خودشان که عود به تبعیت ایرانیه و ضمیمه شدن به ایران است واقف ساخته، با جلب قلوب عامه و امیدوار ساختن آنها از هر حیث ترتیبی فراهم آورد که خود اکراد تمایل خویش را به دولت علیه به اولیاء این دولت و سفارت‌خانه‌های خارجه در طهران و دول معظمه مؤتلفه مخصوصا انگلیس و فرانسه و همچنین به کنفرانس صلح بین المللی در پاریس تلگرافا و کتبا اظهار و تقاضا کنند...»^۶

از گزارش‌های موجود چنین برمی‌آید که شیخ عبدالقادر و شریف پاشا در ادامه مذاکرات پیشین خود با مشاور الممالک در اسلامبول در حاشیه برگزاری کنفرانس صلح پاریس نیز پس از

ملاقات و رایزنی با هیات ایرانی به توافق‌هایی دست یافتند و بر همین اساس نامه‌هایی برای روسای کرد عثمانی به وسیله دولت ایران و حکمران کردستان ایران ارسال داشتند. حتی در این مرحله مقامات ایرانی تصمیم گرفتند که ضمن مطلع ساختن مامورین بریتانیا در بین‌النهرین از این تمایلات کردهای عثمانی زمینه‌هایی را برای فعالیت مامور موصل مهیا گردانند.^۷ مامور موصل موظف بود با متنفذین، علما و روسای کردها ملاقات و به آنان هشدار دهد اعراب و آرامنه که هریک به نوعی خواهان ادغام مناطق کردنشین در کشورهای مورد نظر خود بودند هیچ نوع تجانس قومی و ملی با آنان نداشته و استیلایشان بر کردها به ضرر منافع حیاتی کردها خواهد بود. حال آن که «... مملکت ایران خاک اصلی آنها است و در حکم دولت خارجی نسبت به آنها نمی‌باشد...»^۸

برای کمک به مامور موصل دستورالعمل‌های جداگانه‌ای به حکام ایالات و ولایات سرحدی ایران و کارگذاری‌های وزارت خارجه صادر شد تا مساعدت و تسهیلات لازم را در اختیار وی قرار دهند. یکی از نکاتی که بر آن تاکید شد این بود که مکاتبات و مخابرات آنان باید سری باشد. موید حضور موظف شد به نواحی مختلف موصل رفته و پس از مجری داشتن اقدامات لازم گزارش‌های خود را از موصل با تلگراف رمز ارسال دارد و در صورت کنترل و سانسور انگلیسی‌ها آنها را نخست از طریق قاصد از موصل به ارومی و ساوجبلاغ یا نزدیک‌ترین نقاط مرزی ارسال داشته سپس از آنجا به تهران ارسال یا مخابره شوند.^۹



هنگامی که در خلال کنفرانس صلح پاریس آشکار شد که انگلیسی‌ها خواهان آن نیستند که کردها از یک حکومت مستقل برخوردار شوند و الحاق آنان به یک حکومت ارمنی در آسیای صغیر یا عرب را در بین‌النهرین مدنظر دارند.^{۱۱} مشاور الممالک وزیر امور خارجه و ممتاز السلطنه سفیر ایران در پاریس بر فعالیت‌های خود افزوده و در دیدار با شریف پاشا از او خواستند که با انگلیسی‌ها وارد مذاکره شده و آنان را متقاعد سازد که با الحاق مناطق کردنشین به ایران موافقت کنند. در این دیدار شریف پاشا به هیات ایرانی اعلام کرد شخصا با الحاق به ایران موافق است و نامه‌ای از تمایلات ایرانی خود به مشاور الممالک تسلیم کرد تا نسخه‌ای از آن از طریق ایران برای نامق‌بیگ یکی از روسای کرد موصل ارسال گردد. او در نامه خود به نامق‌بیگ نوشت:

«... وضع آتیه کردستان خیلی ناگوار است حتما از دولت عثمانی تجزیه خواهد شد. می‌خواهند کردستان یا جزو ارمنستان و یا ضمیمه عربستان بشود، من و روسای کردستان مثل شیخ عبدالقادر افندی و مصطفی پاشا و سایرین عقیده داریم کردستان [عثمانی] در تحت سلطنت ایران باشد که دین و ملیت محفوظ بماند، شما هم در این زمینه در نقاط کردستان و نزد محمود پاشا رئیس عشیره جاف اقدام و اهالی را وادار کنید همین طور تقاضا نمایند...»^{۱۱}

با توجه به این مذاکرات موید حضور ماموریت یافت که آراء و نظرات شریف پاشا و شیخ عبدالقادر را در حوزه فعالیت خود تبلیغ کرده و نامق‌بیگ را هم از سوی دولت ایران به وعده مساعدت جلب کرده و از او در مقام مشاور استفاده کند.^{۱۲}

به محض ورود موید حضور به منطقه مقامات حکومتی بریتانیا در بغداد نسبت به او حساس شده و از سرکنسولگری ایران درباره شناسایی او استعلام شد، که وزارت امور خارجه ایران درباره این استعلام اعلام کرد که او برای سرپرستی اتباع ایران به موصل مامور شده است.^{۱۳}

موید حضور تلگرافاتی درباره اوضاع سیاسی و نظامی منطقه برای تهران ارسال کرد، به خصوص درباره شورش کردها علیه انگلیسی‌ها، به همین دلیل هنگامی که تدابیر امنیتی انگلیسی‌ها رو به ازدیاد گذاشت و کنترل تلگرافات و نامه‌های پستی افزایش یافت، او ناچار گردید گزارش‌ها را با قاصد به ساوجبلاغ [مهاباد] رسانده، تا از آنجا به تهران تلگراف نمایند. به همین دلیل به وزارت امور خارجه پیشنهاد نمود که حکومت کردستان دو نفر قاصد استخدام و فوراً در اختیارش بگذارند که گزارش‌ها را سریعاً به داخل خاک ایران و از آنجا به تهران تلگراف کنند.^{۱۴} با بحرانی شدن اوضاع موصل و اطراف آن حاکم انگلیسی موصل کنل لجمان^{۱۵} موید حضور را خواسته و از وی خواست اعتبارنامه‌ای را ارائه دهد که به تأیید سفارت انگلیس در تهران رسیده باشد. موید حضور اظهار داشت که سرپرست اتباع ایرانی است و قونسول نیست، او در گزارش خود به تهران حاکم مزبور را

به عنوان فردی بد اخلاق ذکر و از وزارت خارجه ایران می‌خواهد تا سفارت انگلیس در تهران سفارشات لازم را درباره وی را به حاکم موصل ارسال کنند.^{۱۶} حاکم انگلیسی موصل بیست روز بعد در ۱۵ رمضان ۱۳۳۷ق به موید حضور رسماً اعلام کرد که در خصوص وی از تهران استفسار کرده- اند و تا رسیدن جواب، او را به رسمیت نشناخته و حق دخالت در امور اتباع ایران را ندارد.^{۱۷}

موید حضور در تلگرافی دیگر به وزارت امور خارجه اعلام کرد که ماموریت‌اش به موصل اشتباه بود باید از سلیمانیه به فعالیت و ملاقات با روسای کردها می‌پرداخت زیرا اهالی شهر موصل عرب، نصارا و ترک هستند و عشایر کرد در چند فرسخی موصل هستند که آن هم با توجه به اغتشاش و جنگ کردها با انگلیس‌ها و مسدود بودن راه عبور و مرور فعالیت او را مشکل کرده است.^{۱۸} در این میان انگلیسی‌ها که از اقدامات موید حضور مطلع بودند به بهانه آن که او رسماً به حاکم موصل معرفی نشده است، وی را دستگیر کردند.

موید حضور درباره آخرین اقداماتش می‌نویسد: «... دو روز قبل از عزیمت از موصل با شیخ بهاء‌الدین و شیخ سلیم که از مشایخ بزرگ و با نفوذ افراد و در چند فرسخی موصل سکنا دارند ملاقات و تلگرافات نوشته شد که بدهند عشایر موصل مهر کنند و فدوی بفرستم ساوجبلاغ مخابره کنند و آدم مخصوص برای گرفتن تلگرافات از اهالی اربیل و رواندوز فرستاده بودم...»^{۱۹} ولی حاکم دولت بریتانیا در موصل که از فعالیت‌های پنهانی مامور ایران در کردستان عثمانی و احتمال نزدیکی روسا و عشایر کرد با ایران نگران شده بود فعالیت موید حضور را که می‌رفت به نتایج برسد قطع کرد. موید حضور در این باره می‌نویسد: «... در صورتی که تمام کردستان عثمانی به انگلیس شوریده و راه عبور و مرور مسدود بود فدوی دقیقه‌ای راحت نبودم حتی اهالی شهر موصل می‌خواستند مجلسی از روسا تشکیل بدهند، مذاکره نموده و تصمیم قطعی بگیرند که تلگرافا اظهار تمایل به این کار نمایند...» که با این پیشامد «... تمام زحمت فدوی به هدر رفت سهل است در انظار اهالی موصل توهین به دولت وارد شد...»^{۲۰}

موید حضور درباره این ممانعت انگلیسی‌ها چنین می‌نویسد: «مقصود انگلیسی‌ها از این اقدام این بود که قدرت خودشان را به اهالی موصل حالی کنند و ضمناً اسم ایران در اینجا نباشد...»^{۲۱} موید حضور قبل از دستگیری تمام گزارشات و احکام خود را پنهان کرد. تنها خساراتی مالی به وی وارد می‌آید. لہذا از دولت درخواست کمک مالی برای بازگشت می‌کند.

وزارت امور خارجه ایران در مراسله‌ای این اقدام انگلیسی‌ها را نسبت به موید حضور کتبا مورد انتقاد قرار داده و نوشت: «... مامورین حکومت بغداد موید حضور را که برای سرپرستی اتباع ایران از طرف دولت علیه به موصل رفته بود مورد تضييق قرار داده به فاصله شش ساعت او را

تحت‌الحفظ از موصل خارج و به بغداد روانه نموده‌اند...»^{۲۲} وزارت امور خارجه ایران از سفارت انگلیس خواست که به رفتار توهین آمیز و سخت‌گیرانه خود نسبت به مؤید حضور تجدیدنظر کرده و خاطر نشان ساخت: «... رفتار حکومت بغداد در این مورد با روابط صمیمی موجوده بین دولتین موافقت نداشته و نسبت به دولت علیه توهین آمیز است...». در انتها وزارت خارجه ضمن درخواست جبران این رفتار اهانت‌آمیز، گوشزد کرد «...حاجت به توضیح نیست که اخراج نماینده دولت ایران بدین طریق از موصل در انتظار اهالی آنجا که همیشه مامور ایران را با کمال احترام ملاحظه نموده‌اند چه اثر تحقیرآمیزی وارد ساخته است...»^{۲۳} از آنجایی که مؤید حضور اسباب و اثاثیه خود را به دلیل عدم اجازه جمع آوری آنها در موصل جا گذاشته و ناچاراً دو اسب و یک قاطر خود را که مبلغ ۳۶۰ تومان خریداری کرده به ۳۲ لیره فروخته و بدین طریق خسارات مالی بر او وارد آمده بود دولت ایران با ارسال حواله چهارصد تومان بول نسبت به بازگشت مؤید حضور اقدام کرد.^{۲۴}

ماجرای مؤید حضور و تلاش ناموفق او برای فراهم آمدن زمینه‌های توسعه نفوذ ایران در حوزه‌های کردنشین همجوار فقط یک نمونه از تلاش‌های دولت و ثوق‌الدوله در این عرصه بود؛ دولت وقت در دیگر حوزه‌ها نیز فعالیت‌های مشابهی را آغاز کرد که آنها نیز در درجه اول به دلیل کارشکنی و مخالفت‌های دولت بریتانیا که قرار بود با توجه به قرارداد ۱۹۱۹ در مقام مؤتلف ایران عمل کند و نه مخالف آن، به نتیجه نرسید. از جمله این دیگر تلاش‌ها یکی اعاده بخش تحت اشغال روسیه سرخس بود در خراسان که حتی برای مدتی در تصرف ایران درآمد و دیگری نیز نخجوان بود که به رغم تمایل و اصرار صریح مسلمانان آن حوزه برای الحاق به ایران، به دلیل کارشکنی بریتانیا به نتیجه نرسید.

یادداشت‌ها:

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: کاوه بیات، *توفان بر فراز قفقاز*، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۹-۱۹۶
۲. شیخ عبدالقادر شمزینی، فرزند شیخ عبدالله نه‌ری، مدتی رئیس مجلس عثمانی بود و بعد از پایان جنگ جهانی اول وشکست عثمانی به ریاست جمعیت تعالی کردستان عثمانی منصوب شد و در جهت حق حاکمیت کردستان عثمانی تلاش کرد. وی پس از شورش شیخ سعید توسط کمالیست‌ها اعدام شد.
۳. زرنال شریف پاشا، از ایل بابان سلیمانیه بود، تحصیلاتش را در استانبول و اروپا گذرانده و در کنفرانس صلح پاریس ریاست هیئت اعزامی کردها به کنفرانس صلح پاریس را به عهده داشت.
۴. آرشبو وزارت امور خارجه سال ۱۳۳۷ ق. ک ۶۶، پ ۷، سند ۲۴۱
۵. ایرج افشار، *رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری*، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۵، ص ۱۳۸

۶. آرشیو وزارت امور خارجه سال ۱۳۳۷ ق. ک ۶۶، پ ۷، سند ۲۴۱

۷. همان

۸. همان

۹. همان

۱۰. همان . همچنين بنگريد به مسعود کوهستاني، نزاد، چالش و تعاملات ايران و عراق، تهران، مرکز اسناد و تاريخ

ديپلماسي، ۱۳۸۴، ص ۵۲ تا ۵۴

۱۱. همان، سند ۱۰۶ و ۱۷۶

۱۲. همان، سند ۲۳۲

۱۳. همان، سند ۳ و ۱۳

۱۴. همان، ک ۴۲، سند ۶ و ک ۱۴، پ ۱۷، سندهاي ۲۱، ۲۳، ۳۱، ۲۰، ۷

۱۵. کنل جی. ای. لیچمن (G.E. Leachman) چندی بعد در اوت ۱۹۲۰ توسط گروهی از عشایر عرب کشته شد.

Arnold Wilson, *Mesopotamia 1917-20, A Clash of Loyalties*, Oxford University Press, London, 1931, p.292

۱۶. آرشیو وزارت امور خارجه سال ۱۳۳۷ ق. ک ۶۶، پ ۷

۱۷. همان، سند ۳۴

۱۸. همان، سند ۳۵ و ۲۲

۱۹. همان

۲۰. همان

۲۱. همان، سند ۳۷

۲۲. همان، سند ۳۷

۲۳. همان

۲۴. همان



کتابخانه
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی